



پرونده

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۱۲ ■ ۲۷ مرداد ۱۴۰۱

نوجوان
جامعه



حسین
شکیب راد

تحلیلی بر نقش آفرینی مساجد

در زندگی امروز افراد جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان

سنگر خالی!

زیبا، جادار و مطمئن

سالن تئاتر شهر افتاده یا بسیاری از مساجد که باشکوه هرچه تمام تر ساخته یا بازسازی شده‌اند، من البته اصلاً با این ضرب المثل «چراغی که به منزل رواست به مسجد حرام است» کاری ندارم، ولی اگر خرج درو دیوار خانه خدا کردی و بزرگ و باشکوه شد اما دلباز نشد، یک جای کار می‌لنگد. شاید شما هم از این دست مساجد دیده باشید که ظاهری زیبا دارد اما دلتنگ رفت و آمد مردم به ویژه جوان ترهاست.

از قدیم، معماری مساجد مورد توجه اغلب مردم قرار می‌گرفته، حالا چه مردم کوچه و بازار که اسیر طرح‌های اسلیمی و نقوش رنگارنگ دیوارها و مناره‌های مسجد می‌شدند و چه گردشگران که هنوز هم وقتی پایشان به کشوری اسلامی مثل ایران باز می‌شود، بخشی از وقت‌شان را صرف دیدار مساجد با معماری‌های ویژه می‌کنند.

البته امروزه اگر مسجدی بنا شود، طرح‌های نوتری را به خود می‌بیند، شاید مثل اتفاقی که برای مسجد ولیعصر در کنار

خانه سالمندان

صحبت از جوان‌ها شد و شاید بهتر است از شما بگوئیم، یعنی نوجوان‌ها، دوستی می‌گفت برای این‌که نوجوانی اهل مسجد شود، باید سر نردبان را بدهی دستش. ماجرا هم از این قرار بود که خودش وقتی نوجوان بود و همه فکر و ذکرش بازی با هم سن و سال‌هایش در کوچه بود، یک بار مردی از او خواهش می‌کند سر نردبان را بگیرد و با او به مسجد برساند. وقتی وارد مسجد می‌شوند، شلوغی و جذابیت اتفاقات مسجد، پسر نوجوان را جذب خود می‌کند و او هم می‌شود بچه مسجدی. چیزی که این روزها کمتر شاهدش هستیم، نه این‌که نشود سر نردبان را دست کسی داد ولی معلوم نیست وقتی وارد مسجد شد، دلش بند شود و خیلی از مساجد ما جایی شده‌اند برای نماز خواندن سن و سال دارها. البته نباید گول بخوریم، منظورم با دیدن تعدادی جوان و نوجوان در حیاط یک مسجد است، چون اغلب مساجد در کنارشان پایگاه بسیج دارند، غالباً هم محل پایگاه از خود مسجد جداست. این‌که بچه‌ها بعد از جلسات و مراسم بسیج، نماز رادر مسجد بخوانند جای شکر دارد ولی سؤال این است که اگر پایگاه بسیجی وجود نداشت، باز هم نوجوان‌ها و جوان‌های آن محله، گذرشان به مسجد می‌افتاد؟

بوی خوش حلوا

از مراسمات گفتیم، برخی مساجد در مناسبت‌های مذهبی جشن و عزاداری برپا می‌کنند، ولی برخی مساجد در برگزاری مراسم‌هایی خاص حرفه‌ای هستند، آن هم مراسم ختم و شب هفت است، بوی حلوا و خرما و عطر گلایل‌ها تا چند کوچه آن طرف تر هم می‌رود، عبدالباسط با صدای بلند الرحمن می‌خواند، چند حجله دم در مسجد است و چندین دسته گل، مردم بدون آن‌که حتی صاحب مجلس آنها را بشناسد؛ وارد مراسم می‌شوند، فاتحه‌ای خوانده یا نخوانده، خرما و حلوا و سایر پذیرایی‌ها را دریافت می‌کنند و تمام، البته خوبی‌اش این است که پای یک عده به مسجد باز می‌شود، گرچه برخی حرمتش را نمی‌دانند. مورد داشته‌ایم که طرف جدول درست کرده برای مراسم‌های مختلف مساجد شهر و سر وقت خودش را می‌رساند به هر کدام، چند سال پیش برای چنین بزرگوارانی یک اپلیکیشن هم راه افتاد تا از انواع و اقسام برنامه‌ها در مساجد و هیات‌های مختلف آگاه شوند و به خصوص بدانند شام چیست، گاهی حتی مسجد می‌شود محل عبور، یعنی کافی است مسجد دو در داشته باشد و راه آدم‌ها را کوتاه کند، از طرفی پای درد و دل متولی یکی از مساجد که نشسته بودم می‌گفت که همین مراسم‌ها نباشد، امور مسجد نمی‌گذرد.

عجله کنید

نوا ی اذان خودش چند بار ما را به تعجیل دعوت می‌کند، این‌که عجله کنیم برای انجام بزرگ‌ترین خیرها یعنی خواندن نماز آن هم در ابتدای وقت، برای ما هم اهمیت نماز اول وقت واضح و روشن است، اما متأسفانه در برخی مساجد این عجله ادامه دارد است، یعنی بلافاصله بعد از اذان، سریع هر دو نماز خوانده می‌شود، انگار خود امام جماعت هم عجله دارد برای کار بعدی، صحبت بین دو نماز و گفتن لا اقل احکام، پیشکش، گاهی می‌بینی خود نماز هم با سرعت بالا برگزار می‌شود و حتی فرصت کافی برای انجام تعقیبات نداری. متولی مسجد هم برای خارج کردن نمازگزاران پس از وقت آن، عجله دارد، اصلاً این مسجد که یک زمانی مهم‌ترین سنگر حفظ اسلام و حتی مرجعی برای رفع مشکلات یک محله بود، امروز فقط هادقیقه قبل از اذان و هادقیقه بعد از برگزاری نماز باز است، پس چطور نقشش را ایفا کند؟!

تکه‌ای از بهشت

نه اشتباه نکنید، ما هم چشم‌مان می‌بیند، مساجدی را که پرشور و گرم است، پراز اتفاقات گوناگون، از کلاس‌های مختلف برای کودکان و نوجوانان گرفته تا مراسم‌های مختلف، نمازهای با عشق، به لطف امام جماعتی اهل دل، گرچه‌گشایی از مشکلات مردم به ویژه اهالی محل به همت متولی مسجد و نمازگزاران آن، اصلاً این جور جاهاست که راحت می‌شود گفت خانه خدا، گرچه خدا همه جاهست ولی ته دلم می‌گویم خدا هم هر جا که مومن‌های بیشتری باشند بیشتر خوش است. حقیقت مسجد را باید در زندگی کسی ببینیم که آن را بهتر از همه ما می‌داند، باید ببینیم بنیانگذار مسجد و کسی که اولین مسجد دنیا را ساخت، چه روایت و تعریفی از مسجد داشته است، آن حضرت می‌فرماید مسجد جای زندگی است آن هم زندگی‌ای که همه‌اش عبادت است، اصلاً فرض کنید اگر مساجد ما همگی این مدل باشند، چقدر حال و هوای محله، شهر و حتی کشورمان بهتر خواهد بود.

